

● ملاک ارزشمندی اعمال

روح همه‌ی اعمال و ارزشمندی آن، به نیت وابسته است. اگر در زندگی روزمره، رفتارهای ارزشی خود را مورد دقت قرار دهیم، خواهیم یافت که کارهای انسان، زمانی ارزشمند است که نیت صحیحی پشتوانه‌ی آن باشد. به عنوان مثال اگر کسی از روی علاقه‌ی درونی و برای خوشنودی خداوند، درباره‌ی دیگری سخنان محبت‌آمیزی به زبان آورد، کاری ارزشمند است، اما اگر قصدش از اظهار محبت و گفتن کلماتی چون «قربان شما»، «چقدر دلم برایتان تنگ شده بود»، «دوستت دارم»، «نوکر و مخلص شمایم» مسخره کردن و به دام انداختن باشد، کار او نه تنها ارزش مثبتی ندارد، بلکه ضد ارزش است.

یکی از آن دو وارد مسجد شد، با این ویژگی که به خود می‌بالید و می‌گفت: عجب نماز خوبی می‌خوانم و قرائت نمازش را به گونه‌ای خواند که توجه دیگران را جلب کند. نماز چنین فردی از آن جا که با ریا انجام شده است، سرانجامش جهنم خواهد بود. اما شخص فاسق وقتی وارد مسجد شده، با خجالت و سرافکندگی نماز می‌خواند و از این که نمازش قبول یا رد شود، حالتی بین خوف و رجا داشت. چنین شخصی ممکن است، در نماز حالت توبه پیدا کند و تصمیم به ترک گناه بگیرد. به دیگر سخن، نمازش او را از جهنم نجات داد و به سوی بهشت رهنمون گردید. روشن است که سرانجام متفاوت این دو نفر، به تفاوت نیت و انگیزه‌هایی است که باعث انجام عمل گردید و در کیفیت عمل آن دو اثر گذاشت.

● اخلاص نقطه‌ی مقابل ریا

ریا، یعنی خودنمایی، خود را به دیگران نشان دادن، رفتاری که اگر دیگران ببینند، بیسندند و دیدن دیگران سبب خوشحالی وی گردد. توجه درونی ریاکار به این است که دیگران چه می‌گویند و دوست دارد که مردم او را آدم خوبی بدانند و وی را اهل عبادت بشمارند. این انگیزه‌ها سبب روی آوردن وی به اصل نماز یا کیفیت انجام نماز شده است. اخلاص در مقابل ریا است. فرد مخلص، قصدش در انجام کار، نشان دادن عمل خود به دیگران نیست و کسب رضایت و ستایش آنان را در نظر ندارد. هرچند ممکن است در حضور دیگران هم باشد و حتی گاهی ممکن است، نشان دادن آن به دیگران عبادت باشد. مانند جایی که اتفاق علنی مطلوب است، تا دیگران در جامعه به کار خیر



کدام گزینه صحیح است؟

برگرفته از سلسله سخنرانی‌های حضرت آیت الله مصباح یزدی

● نیت در اصطلاح اخلاقی

نیت، آن انگیزه‌ای است که شخص را به عمل و می‌دارد و یا حالتی در درون وی پدید می‌آورد که او را به انجام دادن عمل یا چگونگی انجام آن سوق می‌دهد.

اصولاً کارهایی که از خردمندان سر می‌زند و قابل ارزشیابی است، به نیت انجام دهنده‌ی آن بستگی دارد. بدین جهت بین نیت‌ها تفاوت بسیار است. بعضی از نیت‌ها سبب بطلان و ناپودی عبادت می‌شود و انجام عمل، نه تنها سبب رشد و کمال شخص نمی‌شود، بلکه به سقوط وی می‌انجامد، مانند ریا در نماز.

مراتبی که ممکن است، انسان در اثر نماز به آن برسد، شبیه به بی نهایت است. این نماز با همه‌ی اهمیتی که دارد، می‌تواند انسان نماز گزار را جهنمی کند. راز این مطلب در این است که نیت‌های افراد در نماز، متفاوت است. در خبری از رسول اکرم (ﷺ) آمده است که دو نفر وارد مسجد شدند و به نماز ایستادند. یکی با نمازخواندن از عذاب نجات پیدا کرد و بهشتی شد، دیگری با همان نماز سر از جهنم در آورد. زمانی که یاران حضرت راز مطلب را جویا شدند، حضرت در جوابشان فرمودند:

● نیت در کارهای روزمره

در صورتی که قصد انسان از انجام کارهای روزمره مانند خوردن و خوابیدن جلب رضایت خداوند باشد، به منزله‌ی عبادت خواهد بود. البته اگر شخص در

فرد مخلص، قصدش در انجام کار، نشان دادن عمل خود به دیگران نیست و ستایش آنان را ندارد.

انجام این کارها نیت خالص نداشته باشد، ضرری نمی‌کند و او را به جهنم نخواهد برد، هرچند ثواب عمل را از دست داده است. اما ریا در عملی همانند نماز، نه تنها به قبولی عمل آسیب می‌زند، که به جهنمی شدن ریاکار نیز می‌انجامد. از این رو باید در نیت نماز، بسیار دقت داشت.

تشویق شوند، اما در این موارد، باید خیلی مواظب بود که عمل با ریا آلوده نشود. در مواردی که فرد در صدد انجام کار خیر - به صورت آشکار - برمی‌آید، باید مواظب دلش باشد که چرا این کار را آشکار انجام می‌دهد؟ آیا برای یادگیری و تشویق دیگران به کار نیک است، یا برای این است که او به نیکی و خوبی نزد دیگران شهره و سرشناس شود؟ در این صورت فرد پس از سال‌ها عبادت بر این باور خواهد بود که پرونده‌ای بسیار روشن، شفاف و پر از نیکی دارد. اما در واپسین روز به او گفته می‌شود: مزد و ثواب کرده‌هایت را از دیگران درخواست کن، زیرا برای من - خدا - کاری انجام ندادهای و طبیعی است که مزد و ثوابش را نیز باید از دیگران بستانی.

● ریا در عبادت

ریا به نماز اختصاص ندارد، بلکه هر عبادتی که شخص از نشان دادن آن به دیگران خوشحال شود، ریا است. گاه قرآن - به صورت کلی - از ریا در عبادت سخن به میان آورده است. از جمله درباره‌ی زکات فرموده است: «والذین ینفقون اموالهم رياء الناس»^(۱) و درباره‌ی جهاد فرموده است: «ولا تکنوا کالذین خرجوا من دیارهم بطرا و رياء الناس»^(۲)



«آی دو سال»

س. حسینی

آقا^(۱) عبا و عمامه‌اش را درآورده بود و به مخذه تکیه داده بود، با آن لباس سفید یک دست راحت نشسته بود و کتابش را مطالعه می‌کرد. دوست نداشتم خلوتش را به هم بزنم، ولی این بهترین موقع بود. دور و برش خلوت بود و وقت خوبی به حساب می‌آمد. رفتم جلو. آقا متوجه من نشد. دو زانو نشستیم. سرفه‌ای کردم. آقا سر بلند کرد. تازه نگاهش به من افتاد. سلام کردم. با لبخند جواب داد. گفتم: «آقا، آمدم راجع به آن سید بنده‌ی خدا که قبلاً از او به شما گفته بودم، صحبت کنم.» آقا کمی فکر کرد و سپس گفت: «همان سید که در محله‌ی بالا می‌نشیند؟»

— بله...بله...آن بنده‌ی خدا مریض شده، افتاده گوشه‌ی خانه. قبلاً هم که خدمتتان عرض کرده بودم، مقدار زیادی قرض بالا آورده. تازگی‌ها شنیده‌ام طلبکارها بهش فشار آورده‌اند. آبرویش دارد می‌رود. آمدم عرض کنم اگر لطف بفرمایید، کمکی به این سید کنید، خیلی خوشحال می‌شود.

آقا سرش را پایین انداخت و شروع کرد به فکر. دستی به ریش‌های مرتب سفیدش کشید. گفتم: «می‌دانید که آن بنده‌ی خدا سید محترمی است، اگر آبرویش برود، دیگر نمی‌تواند در این شهر زندگی کند.»

آقا سرش را بالا گرفت و گفت: «راستش شما خودت هم می‌دانی که این روزها پول چندان نداری، اما...»

نگذاشتم حرفش را تمام کند. گفتم: «بله خودم واقف هستم. این روزها وضع زندگی مردم تعریف چندان ندارد. آن درآمد کم شما هم صرف کمک به مردم...»

آقا حرفم را قطع کرد. دوست نداشتم، این چیزها را بگویم. گفتم: «اما یک مقدار پول پیشم هست که کسی داده تا برایش دو سال، نماز و روزه به جا بیاورم. من این پول را به شما می‌دهم. شما هم آن را بدهید به آن آقا سید و بگویید دو سال نماز و روزه‌ی آن مرحوم را به جا بیاورد.»

با تعجب گفتم: «اما آقا شما خودتان هم مطلعید، او بیمار است. اگر هم بخواهد، نمی‌تواند روزه بگیرد.»

آقا هم تعجب کرد و گفت: «یعنی بیماری‌اش این قدر شدید است؟»

— متأسفانه بله. آقا دوباره سرش را انداخت پایین، شروع کرد به فکر کردن. فکرهاش را که کرد، دوباره سر بالا کرد. آرام گفت: «اشکالی ندارد. دو سال نماز و روزه را خودم به جا می‌آورم، پولش را بدهید به همان سید.»

یک دفعه دلم یک جوری شد. با چشم‌های از حدقه درآمده، آقا را نگاه کردم. آقا اما چشم‌هایش را مهمان کتاب کرد.

پی نوشت:

۱. آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی انصاری

گاه عبادت‌هایی است که آمیخته با ریای پنهان و مخفی است، به طوری که حتی بسیاری از طبقات ملائکه هم متوجه نمی‌شوند. در خبری از معصوم (علیه السلام) می‌خوانیم، بعضی اشخاص، اعمال یا نمازهایی انجام می‌دهند که ملائکه‌ی آسمان اول می‌پذیرند، اما ملائکه‌ی آسمان دوم برمی‌گردانند و می‌گویند: این قسمت از عمل اشکال دارد، زیرا نیتش در این بخش از عمل خراب است. بعضی از اعمال تا آسمان هفتم هم می‌رود و همه‌ی طبقات ملائکه هم متوجه کاستی عمل نمی‌شوند، اما وقتی عمل را به پیشگاه الهی عرضه می‌کند، خطاب می‌شود: بروید این کار را به سینه‌اش بزنید، زیرا این عمل را برای من انجام نداده است و هرکاری که برای غیر من انجام گیرد، پذیرفته نخواهد شد. پس آدم باید مواظب دلش باشد که به چه نیتی کارهایش را انجام می‌دهد.

منافق کسی است که تظاهر به قبول دین می‌کند، اما در دلش دین را باور ندارد و تنها برای این که مردم وی را دیندار و مسلمان حساب کنند، در مراکز دینی حاضر می‌شود.

● ریا در نماز

ارزش دو رکعت نماز، ممکن است از همه‌ی این عالم مادی بالاتر و برتر باشد. آیا چیزی که بتواند انسان را از جهنم نجات دهد و به بهشت ببرد، با چیزی قابل مقایسه است؟! ارزشمندی عبادات - به طور کلی - و نماز - به طور ویژه - وابسته به اخلاص است و ریا به اعمال عبادی ما آسیب جدی می‌زند. در دو مورد از آیات قرآن، سخن از ریا در نماز به کار برده شده است: یکی به عنوان وصف منافقین و دیگر وصف کسانی که از نمازشان بهره‌ای نمی‌برند، بلکه مستوجب عذاب هم می‌شوند. منافقین - قدیم و جدید - نمی‌گفتند ما دین را قبول نداریم، چرا که اگر می‌گفتند، کافر بودند، نه منافق. منافق کسی است که تظاهر به قبول دین می‌کند، اما در دلش دین را باور ندارد و تنها برای این که مردم وی را دیندار و مسلمان حساب کنند، در مراکز دینی حاضر می‌شود و هرگز علاقه‌ای به نماز، درویش نیست. از این رو نماز را با بی‌نشاطی به جای می‌آورد. بنابراین قرآن در این دو مورد هشدار می‌دهد که مواظب باشید پای ریا به نمازتان باز نشود.^(۳)

پی نوشت‌ها:

۱. نساء/ آیه ۳۸

۲. انفال/ آیه ۴۷

۳. ماعون/ آیه ۴